

مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای با رویکردی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

سعید قربانی^۱، یوسف ترابی^۲

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

جوامع اسلامی زمانی در مسیر تمدن‌سازی حرکت خواهند کرد که با عقلانیت، علم، مدیریت کارآمد و توجه به ارزش‌ها و اصول توحیدی قرآن و سیره پیامبر و ائمه (س) گام در مسیر تمدن‌سازی بگذارند. تعامل تمدن‌ها و تعارض تمدن‌ها پدیده‌ای است که در ادوار مختلف تاریخی مشهود بوده است و زمان حال نیز وجود دارد و هر تمدنی که از صلابت عقلانی، علمی و اخلاقی و معنوی بالاتری برخوردار باشد از قدرت و نفوذ و پایداری بیشتری برخوردار خواهد بود. نگارندگان در صدد پاسخ به این سؤال هستند که با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی شکل‌دهنده تمدن نوین از منظر آیت‌الله خامنه‌ای کدام‌اند و در روند شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی چه تأثیری دارند؟ فرضیه پژوهش این است که فرهنگ و مؤلفه‌های آن عامل زیربنایی در شکل‌گیری تمدن‌سازی نوین اسلامی است. در پژوهش حاضر هدف نگارندگان این است که با استناد بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی شکل‌دهنده تمدن نوین اسلامی را با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات اسنادی بررسی کنند. یافته‌ها نشان می‌دهند مؤلفه‌هایی همچون عقلانیت، دین، اخلاق، علم و شاخص‌هایی درباره آنها در فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نقش اساسی دارند. روش گردآوری مطالب بر اساس رویکرد کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی

بیانیه گام دوم، تمدن نوین اسلامی، دین، عقلانیت، اخلاق، علم، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد و عضو هیئت‌علمی مرکز اسناد انقلاب اسلامی

(نویسنده مسئول)

۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه انتظامی امین

مقدمه

اساس تشکیل و تجلی هر تمدنی در نظام بین‌الملل بر اساس مبانی و اصول خاص آن است. بر اساس نوع نگاه انسان، اجزای شکل‌دهی فرهنگ به‌وجود می‌آید و باتوجه‌به این نوع نگرش هم اهداف و محورهای فرهنگی شکل می‌گیرد. در اسلام هم به این صورت است؛ یعنی بر اساس مبانی و ارزش‌های اسلامی است که فرهنگ اسلامی شکل می‌گیرد. در نتیجه اهداف فرهنگی باتوجه‌به ارزش‌های اسلامی به‌وجود می‌آید و در سیر جامعه به‌کار گرفته می‌شود. در مکتب اسلام، افتراق و انفکاک بین عرصه دین و سیاست امری غیرمنطقی است. پیامبر(ص) به‌عنوان معمار بزرگ حکومت اسلامی، به تشکیل حکومت اهتمام ورزیدند و اولین دولت اسلامی را در مدینه پایه‌گذاری کردند. تکوین هر تمدن در پرتو وجود مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است که بدون وجود آنها امکان تحقق تمدن وجود ندارد. درباره اسلام هم وضعیت به این شکل است؛ یعنی اسلام شاخصه‌هایی را برای تمدن اسلامی بیان، و مردم را برای برقراری این شاخص‌ها برای شکل‌گیری تمدن اسلامی تشویق کرده است و پیامبراسلام(ص) باتوجه‌به شاخص‌های مطرح‌شده، پایه‌های تمدن اسلامی را بنا نهادند. نگارندگان در صدد پاسخ به این سؤال‌اند که باتوجه‌به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی شکل‌دهنده تمدن نوین از منظر آیت‌الله خامنه‌ای کدام‌اند و در روند شکل‌دهی تمدن نوین اسلامی چه تأثیری دارند؟ ازجمله شاخص‌های اساسی که زمینه‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی را فراهم کرده و به‌نوعی خط و مشی تمدن اسلامی را مشخص و تعیین کرده، بعد فرهنگی بوده است. در پژوهش حاضر نگارندگان تلاش دارند با استفاده از مفاهیم و الگوهای مطرح‌شده در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، شاخص‌های فرهنگی شکل‌گیری تمدن اسلامی را واکاوی کنند. روند سازمان‌دهی پژوهش به این صورت است که در مرحله اول مفاهیم کلیدی چون فرهنگ و بیانیه گام دوم، تمدن و تمدن نوین اسلامی واکاوی و مفهوم‌سازی می‌شود و در ادامه با استفاده از پنج مؤلفه علم، عدالت، دین، عقلانیت و اخلاق، روند ظهور مؤلفه‌های فرهنگی تمدن نوین اسلامی با استفاده از بیانیه گام دوم تبیین خواهد شد.



تمهیدات نظری و مفهومی

۱. تمدن

واژه civilization معادل تمدن یا حضاره است. این واژه در زبان انگلیسی از لغت لاتینی civis به معنای شهروند یا شهرنشین گرفته شده و برای دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت استفاده شده که دستاورد شهرنشینی است. یونانیان با استفاده از واژه civilization، شهر را مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند. در فرهنگ فارسی تمدن به معنای «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود» است. در زبان انگلیسی، امروزه واژه civilization را به این مفهوم اطلاق می‌کنند که آن نیز به معنای استقرار یافتن است و در تعریف اجتماعی، همان شهرنشینی است (اکبری و همکار، ۱۳۹۴: ۸۶-۹۰). به اعتقاد رالف لینتون، «مقصود از تمدن مجموعه اعمال و آداب است که در هر جامعه، افراد انسان از بزرگ‌تران خود فرامی‌گیرند و به نسل جوان تحویل می‌دهند» (لینتون، ۱۳۳۷: ۳). علی شریعتی تمدن را مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های فراهم‌آمده می‌داند که از گذشته یا از دیگران (مادی و معنوی) به وجود آمده است و جامعه بشری را می‌سازد (شریعتی، ۱۳۷۸: ۱۱).

۲. فرهنگ

فرهنگ به مفهوم عام خود، روش زندگی کردن و اندیشیدن است و حاصل می‌شود از مجموع دانسته‌ها و تجربه‌ها و اعتقادهای یک قوم. استنتاجی است که ملتی طی قرن‌های متمادی از دریافت‌های خود از زندگی کرده است (فوزی و همکار، ۱۳۹۱: ۷). در مبانی اسلامی مهم‌ترین و اصلی‌ترین محور، فرهنگ است. به عبارتی فرهنگ زیربناست و ابعاد دیگر روبنای فرهنگ هستند و این فرهنگ و ارزش‌ها و مبانی شکل‌گرفته از آن است که جامعه را مدیریت و سامان‌دهی می‌کند. در اندیشه و تفکر مقام رهبری نیز فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد و سیاست نیست، بلکه اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل فرهنگ هستند (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۱: ۳۵).

ادوارد تیلور معتقد است: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از دانش، دین، هنر، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت است که آدم از جامعه به دست می‌آورد» (Tylor, 1958: 1). فرهنگ آکسفورد فرهنگ را «ایستارها، باورها و ارزش‌ها» در نظر می‌گیرد (mclean, 2005: 414). محمدجواد باهنر درباره مفهوم فرهنگ می‌گوید: «فرهنگ مجموعه برداشت‌ها، اندیشه‌ها، موضع‌گیری‌های فکری، هنر، ادبیات، فلسفه، آداب، سنن، رسوم و روابط حاکم اجتماعی است» (باهنر، ۱۳۸۷: ۲۵۸). علامه جعفری بیان می‌دارد: «فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعیدشده آنان در حیات معقول تکاملی باشد» (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۰). آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) درباره فرهنگ می‌فرماید: «فرهنگ یعنی خلیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت؛ تفکراتش، ایمانش، آرمان‌هایش؛ اینها شکل‌دهنده مبانی فرهنگی یک کشور است» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با وزیر علوم و رؤسای دانشگاه‌ها در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۷).

۳. تمدن اسلامی

مجموعه هماهنگ و سازمان‌یافته‌ای از عقاید، باورها، سنن، خلاقیت‌ها، اختراعات، و فنون و علم که به نحوی از انحاء متأثر از اندیشه اسلامی بوده و در جامعه اسلامی و مسلمانان فراهم آمده باشد، تمدن اسلامی نام دارد (حاتمی، ۱۳۹۰: ۲۴۷). هر جامعه‌ای درصدد است با استفاده از ارزش‌ها و مبانی خودش تمدنی را شکل دهد تا در جامعه بتواند بر میزان ماندگاری و جاودانگی‌اش بیفزاید. اسلام دین جامع و کاملی است و در نتیجه این دین درصدد است که مبانی‌اش را در جامعه و نظام جهانی پیاده‌سازی کند. تمدن اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. تمدن اسلامی تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام می‌گردد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر (ص) برخوردار است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و مواردی از این قبیل است (اکبری و همکار، ۱۳۹۳: ۹۰). آیت‌الله خامنه‌ای درباره مفهوم تمدن اسلامی می‌فرماید: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا



ازلحاظ معنوی و ازلحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۴/۶/۱۳۹۲).

۴. تمدن‌سازی دینی

تمدن مصدر باب تفعّل از «مَدَن» و هم‌خانواده با مدینه و مدینیت به معانی «شهرنشین شدن، خوی شهری برگزیدن و با اخلاق مردم شهر آشنا شدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی است (معین، ۱۳۹۴: ذیل واژه تمدن). لیتون می‌گوید: «تمدن عبارت است از مجموعه منظمی از کردارهای اکتسابی خاص هر جامعه» (لیتون، ۱۳۳۳: ۳۱)؛ یعنی انسان برحسب سرشتی که دارد و نیز بر اساس استعدادی که در آفرینش او لحاظ شده است، هم میل و گرایش به مدینیت و بهره‌مندی از تمدن در او وجود دارد و هم زمینه و شرایط برخورداری از تمدن (شریعتی‌تبار، ۱۳۹۴: ۴). تمدن از دو عامل اساسی به وجود می‌آید: زمین و انسان. این پدیده تاریخی محصول توان انسان در غلبه بر نیروهای طبیعی است که حاصل شناسایی قوانین حاکم بر آن از مسیر علم و دانش از یک سو و امکان کنترل و تصرف نیروی طبیعت به نفع خواسته‌های بشر به وسیله تکنولوژی از سوی دیگر است. این غلبه، هم شامل غلبه بر تأثیرات نیروهای طبیعی در شکل‌گیری بعد مادی زندگی انسان می‌شود و هم غلبه بر ضعف انسان در تأثیرپذیری روحی و نفسانی از غلبه شرایط محیطی را دربرمی‌گیرد (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۵). تکامل و تمدن قرآنی اصالتاً به ابعاد روحانی و معنوی وجود بشر مربوط است و ضرورتاً صرفاً با توسعه مادی همراه نیست. بنابراین آنچه در توسعه و تمدن مادی، شاخص‌های تعالی و تکامل پنداشته می‌شود، در نظام اعتقادی دینی، در معنایی دیگر و در جهت‌گیری خاصی پذیرفته و ارزش‌گذاری می‌شود. در واقع، لذت‌جویی‌های تمدن مادی، که معلول رفاه ناشی از کنترل و تصرف جهان مادی است، در تمدن دینی اصالت خود را از دست می‌دهند و در چهارچوب محدودیت‌های اخلاقی و دینی، تعدیل و جهت‌دهی می‌شوند (نویسندگان، ۱۳۸۶: ۱۰۴).

تمدن اسلامی با بعثت رسول خدا(ص) و هجرت ایشان به مدینه شکل گرفت. مسلمانان با اتکا بر آموزه‌های قرآن و سفارش‌های پیامبر(ص) و ائمه(س)، آن را تا قرن پنجم هجری به اوج رساندند. با حملات صلیبیان، مغولان و سقوط اندلس و مشکلات داخلی جهان اسلام،



تمدن اسلامی دچار انحطاط شد؛ ولی در عهد صفویان، عثمانی‌ها و گورکانیان هند، مجدداً رونق گرفت. در قرن نوزدهم، استعمارگران به مسلمانان حمله کردند و دوباره تمدن اسلامی دچار رکود شد. متفکران اسلامی در ایران، مصر و سایر کشورها برای مقابله با تمدن غرب، بازگشت به اسلام راستین را مطرح کردند. بیداری اسلامی در ایران از عصر قاجاریه شروع شد و با پیروزی انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی (ره)، در سال ۱۳۵۷ به اوج رسید و باعث بیداری در جهان عرب شد (اکبری و همکار، ۱۳۹۴: ۸۶).

تحقق شعارها و آرمان‌های دینی در گرو ایجاد تمدن اسلامی است و این تمدن نیز به نوبه خود مبتنی بر فراگیری و جامعیت دین بر روابط فردی و اجتماعی است. حسن حنفی، یکی از دانشمندان اسلامی معاصر، درباره تمدن اسلامی می‌گوید: «تمدن اسلامی همه آثاری را که مسلمانان در زمینه‌های علوم نقلی مانند قرآن، حدیث، تفسیر، سیره و فقه و علوم عقلی مانند حساب، هندسه، نجوم و موسیقی و علوم نقلی مانند اصول دین، اصول فقه، فقه، فلسفه و عرفان تألیف کرده‌اند شامل می‌شود. این علوم متن تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهند» (حنفی، ۱۳۷۹: ۲۵). برای شکل‌گیری هر تمدن یا هر حکومتی، نیاز به شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی است. تا زمانی که این شاخص‌ها به صورت منسجم باهم در یک کالبد جمع نشود، نمی‌توان انتظار شکل‌گیری یک تمدن را داشت. درباره اسلام هم وضعیت به این شکل است؛ یعنی اسلام شاخص‌هایی را برای شکل‌گیری تمدن بیان و مردم را برای برقراری این شاخص‌ها جهت شکل‌گیری تمدن اسلامی تشویق کرده است. پیامبر اسلام (ص) با توجه به شاخص‌های مطرح‌شده در اسلام درصدد برآمدند که تمدن اسلامی را شکل دهند و این اتفاق حاصل شد و تمدن اسلامی با محوریت شاخص‌های اسلامی در عربستان شکل گرفت و سپس بعد از پیامبر (ص)، این تمدن‌سازی ادامه یافت. هر جا که مسلمانان به امور و شاخص‌های اصلی که به‌عنوان آرمان‌های اسلامی هستند عمل کردند و پایبند بودند تمدن اسلامی در اوج بود و هر جا که از این شاخص‌ها کناره‌گیری شد جوامع اسلامی در مسیر انحطاط قرار گرفتند. از جمله شاخص‌های اساسی که زمینه‌های شکل‌گیری تمدن اسلامی را فراهم کرده و به‌نوعی خط و مشی تمدن اسلامی را مشخص و تعیین کرده، بعد فرهنگی بوده است؛ یعنی فرهنگ مشخص می‌کرد که از لحاظ نظامی به چه نحوی باید اقدام کرد و در بعد سیاسی باید به چه اقداماتی دست زد و بعد اقتصادی باید دارای چه شرایطی باشد. در اسلام



فرهنگ زیربناست و ابعاد دیگر بر اساس بعد فرهنگی سازمان‌دهی می‌شوند. پژوهش حاضر نیز بر اساس بعد فرهنگی با استناد بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی سازمان‌دهی شده است.

بیانیه گام دوم: ضرورت و اهمیت

بعد از گذشت چهل سالگی انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری بیانیه‌ای را به‌عنوان چشم‌انداز جمهوری اسلامی جهت ادامه حیات نظام دینی بیان فرمودند که به بیانیه گام دوم معروف است. در بیانیه گام دوم به مسائل و موضوعات گوناگونی چون عدالت‌محوری، جوان‌گرایی، توجه به معنویت و دین، توجه به طبقه محروم و محرومیت‌زدایی از جامعه، سبک زندگی اسلامی و دوری از استکبار توجه شده است. مقام معظم رهبری درباره بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد، و در میان ملت‌هایی که به‌پا خاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پُرافتنخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به‌نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوم می‌شود» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

ایشان به جهانی بودن شعارهای انقلاب اسلامی اشاره می‌کنند: «برای همه‌چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ‌مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثناست؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد؛ زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).



پیشینه پژوهش

درباره بعد فرهنگی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی به صورت پراکنده در ابعاد مختلف آن تحقیق و بررسی صورت گرفته است که به مواردی از آنها اشاره می‌شود: ملایی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «جایگاه و کارکردهای آموزه مهدویت و انتظار در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خامنه‌ای» شاخص‌های تمدن‌سازی نوین اسلامی را از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) بررسی و به مواردی به صورت کلی اشاره کرده و بعد به نقش مهدویت و انتظار در فریند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی پرداخته است؛ ولی بازم در مقاله حاضر جای کار هست و نویسنده می‌توانست به صورت متمرکزتر و حتی موردی‌تر مباحث را مطرح و تجزیه و تحلیل کند. اسماعیلی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ، مؤلفه‌ها و شاخص‌سازی فرهنگی» به مؤلفه‌های فرهنگی پرداخته و مواردی از شاخص‌های فرهنگی را ذکر کرده است و تحلیلی از هریک از این شاخص‌ها ارائه داده است. این مقاله بیشتر حالت گوشزد کردن است که موانعی هستند که شاخص‌های فرهنگی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. البته در این مقاله هنوز جای کار زیاد است و نویسنده می‌توانست بهتر از اینها به بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها بپردازد. سلیمی و صالحی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «الگوی مطلوب از شاخص‌های سنجش امور فرهنگی در رسانه ملی» در مرحله اول تعریفی از فرهنگ ارائه کرده و بعد فرهنگ اسلامی را توضیح داده و بعد به شاخص‌هایی از فرهنگ در رسانه اشاره کرده است. نقطه تمرکز آن همان‌طور که خود موضوع هم به آن اشاره کرده، بحث شاخص‌های سنجش امور فرهنگی در رسانه است، مطالبی که نویسنده مطرح کرده، نشان از عمق مقاله حاضر است، ولی نویسنده می‌توانست به بیانات رهبر هم به عنوان مصداق اشاره کند. متانت‌پور (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی شاخص‌های سیره سیاسی و اخلاقی پیامبر اکرم (ص)» شاخص‌های سیاسی را که در سیره و اخلاق پیامبر (ص) حاصل شده پژوهیده است. البته مواردی که نویسنده به آنها اشاره کرده محدود است و شاخص‌های سیاسی گسترده‌تر از اینهاست. نویسنده مواردی را که مطرح کرده، به صورت مبسوط بررسی کرده و خواننده را در کمّ و کیف آنها قرار داده است. نوایی (۱۳۸۱) در کتابی با عنوان نظریه دولت دینی به اسلام و مبانی و ارزش‌های آن پرداخته و در داخل این ارزش‌ها شاخص‌هایی را هم مطرح کرده است، ولی در حقیقت هدف اصلی نویسنده بررسی نظریه



دولت دینی است. سردارنیا (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با نام «شاخص‌ها و نسبت مشروعیت مردمی و دینی حکومت در نهج‌البلاغه» به بحث مشروعیت و نسبت بین مردم و حکومت دینی می‌پردازد. در این پژوهش نگارنده تمرکز بحث خود را نهج‌البلاغه قرار داده و با تمرکز به این سند، مشروعیت مردمی و دینی حکومت را بررسی کرده است. این یکی از شاخص‌هایی است که نویسنده در پژوهش خود سعی خواهد کرد که استفاده کند. به عبارت دیگر در طرح پژوهشی حاضر نویسنده شاخص‌های فرهنگی از منظر رهبر را بررسی خواهد کرد، که این شاخه به‌عنوان یکی از محورهای پژوهشی خواهد بود. بهمنی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای: چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران» به تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته و تکامل جمهوری اسلامی ایران را با استفاده از این رویکرد با استناد به بیانات رهبری بررسی کرده، ولی به شاخص‌های تمدن نوین اسلامی به‌صورت منسجم و موردی نپرداخته و صرفاً کلیتی از بحث را مطرح کرده و همان‌طور که خود نویسنده در موضوع هم مطرح کرده بیشتر به چیستی و تکامل جمهوری اسلامی پرداخته است. سیاهپوش و همکارش (۱۳۹۰) در کتابی با نام فرهنگ در منظر مقام رهبری بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی را درباره فرهنگ و شاخص‌های آن مطرح و نقش پایدار و تعیین‌کننده فرهنگ در امور و ابعاد مختلف جامعه را بررسی کرده است؛ ولی این پژوهش به‌صورت جمع‌آوری صرف بیانات رهبری است. ترابی و رضایی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌های ایجابی، شاخص‌های اساسی» مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده و تأثیرگذار بر فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران را بررسی کرده و در این زمینه به نتایج قابل توجهی دست یافته است. دست‌یافته‌های مقاله در پژوهش حاضر نیز قابل استفاده‌اند و به‌نوعی در جهت‌دهی این پژوهش نیز تأثیر قابل توجهی دارند. ولی در پژوهش حاضر نویسنده سعی بر این خواهد داشت که درباره شاخص‌های فرهنگی که مطرح است بیشتر بر بیانات رهبر تمرکز داشته باشد. مورد دیگر اینکه نویسنده سعی خواهد کرد موارد گسترده‌ای از شاخص‌ها را به‌صورت مبسوط با مبانی نظری تمدن‌سازی دینی بررسی کند. منتظر القائم (۱۳۹۱) در کتابی تحت عنوان تمدن‌سازی نبوی و علوی به اسلام و مبنای تمدن‌سازی آن پرداخته و در این کتاب ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... را بر اساس محوریت اسلامی



پژوهیده و آرمان‌هایی را در آن مطرح کرده است که برای شکل‌گیری تمدن اسلامی لازم و ضروری است. در پژوهش حاضر نویسنده درصدد است که تمدن‌سازی نبوی و علوی به‌کاررفته در این کتاب را به‌عنوان مبانی نظری خود برگزیند و شاخص‌های فرهنگی تمدن اسلامی را با استناد به این مبنای نظری و با استناد به بیانات رهبر پژوهش کند.

در مجموع ادبیات پژوهشی که در این بخش به آنها اشاره شد، هریک به‌نوعی دربرگیرنده قسمتی از پژوهشی است که قرار است انجام شود و هریک شاخص‌هایی را در بعد فرهنگی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم بررسی کرده، ولی به‌صورت منسجم و یکجا به شاخص‌ها توجهی نشده است و در بیشتر آنها که به شاخص‌ها پرداخته شده است، از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله) نیست. در پژوهش حاضر هدف نویسنده این است که در مرحله اول آسیب‌های فرهنگی در قبال شکل‌گیری تمدن اسلامی را بررسی کند. در مرحله بعدی به راهکارهای صیانت از این آسیب‌ها با تمرکز رهبر پردازد و سرانجام شاخص‌های فرهنگی را که به‌نوعی در فرایند شکل‌گیری تمدن اسلامی نقش داشته‌اند با استفاده از روش استنادی و باتوجه به مفهوم تمدن‌سازی دینی و با تمرکز بر بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله) بررسی کند.

مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی شکل‌دهنده تمدن نوین اسلامی

از دیدگاه رهبر انقلاب، تمدن غربی فقط جنبه ابزاری و سخت‌افزاری دارد. بنابراین انسان نیاز به تمدنی دارد که در سایه آن، همه نیازهای مادی و معنوی او برآورده شود. این تمدن چیزی جز تمدن اسلامی نیست. بنابراین احیای تمدن اسلامی ضرورت می‌یابد. ایشان در سخنرانی‌های خود راهکارهایی را برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی ارائه داده‌اند که پرداختن به آنها می‌تواند در احیای تمدن اسلامی راه‌گشا باشد (موسوی و همکار، ۱۳۹۴: ۳). در ادامه به بررسی دیدگاه‌های رهبر در زمینه مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی شکل‌دهنده تمدن نوین اسلامی با گریزی بر بیانیه گام دوم خواهیم پرداخت.

۱. عقلانیت و شاخص‌های آن

از دیگر بنیان‌های اندیشه سیاسی در اسلام، خرد و خردگرایی، عقلانیت‌محوری و باور به تعقل صحیح است. از منظر اسلام، وجود عقل از هر چیز دیگر برای انسان بهتر و ارزشمندتر



است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۴۷). عقلانیت و خردگرایی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در فرایند تمدن‌سازی قلمداد می‌شود. درحقیقت خردگرایی جزء لاینفک تحقق تمدن کمال‌یافته، در برابر تمدن دیکتاتوری است (شجاعی، ۱۳۹۴: ۳۹۴).

از منظر اسلام، عقلانیت ناظر به قوه عاقله درون انسان است که به‌کارگیری آن، یعنی تعقل، انسان را به‌سوی خدا سوق می‌دهد و بندگی او را به‌ارمغان می‌آورد. عقلانیت اسلامی بدین معناست که انسان با بهره‌مندی از قوه عاقله در جهت گرایش‌های عالی انسانی و الهی تعقل کند و حیات فردی و اجتماعی خود را به‌سوی خدا و بندگی او سوق دهد (زنگویی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳۲). عقلانیت هنجاری یا اخلاقی به معنای آن است که برای تحقق ارزش‌های مقدس، نباید از ابزارهای نامشروع بهره گرفت؛ زیرا در اسلام «هدف وسیله را توجیه نمی‌کند». عقلانیت ابزاری بر اساس محاسبات مادی برای کسب سعادت و ارتقای قدرت نرم از طریق روشی خردمندانه‌تر و قابل توجیه‌تر شکل می‌گیرد. این نوع عقلانیت تحت دو نوع دیگر عقلانیت یعنی معرفت‌شناختی و هنجاری قرار می‌گیرد. ازاین‌روست که تمدن نوین اسلامی بر انطباق و سازواری سه سطح معرفت‌شناختی، اخلاقی و ابزاری تأکید می‌ورزد (دهشیری، ۱۳۹۴: ۹۸). مقام معظم رهبری درباره عقلانیت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ظهور تمدن نوین اسلامی فرمودند: «عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه‌کاری، مسامحه و تساهل نیست» (بیانات امام خامنه‌ای در سالروز عید سعید مبعث ۱۳۸۸/۴/۲۹).

عقلانیت به‌عنوان یکی از محورها و کانون‌های اساسی سازنده تمدن نوین اسلامی در درون خود شامل شاخص‌هایی است که موردبررسی قرار خواهد گرفت که شامل موارد ذیل هست:

الف) خودباوری و اتکای به خود و پرهیز از تقلید صرف

لازمه ساختن تمدن نوین اسلامی، پرهیز از تقلید از تمدن‌های غربی است. تحمیل روش‌های زندگی و سیر و سلوک زندگی از سوی غرب به ملت‌ها و تمدن‌های مختلف و الزام آنها به تقلید از این شیوه‌ها، نه تنها کمکی به پیشرفت ملت‌ها نکرده، بلکه ضرر و فاجعه‌هایی را نیز



برای آنها به همراه داشته است؛ به طوری که هویت ملی خود را از دست داده‌اند. این تقلید و انحراف به فرموده رهبر انقلاب، علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت را به همراه داشته است (خاری آرانی و همکار، ۱۳۹۴: ۷۵). راهکار این است که باید به تعامل انتقادی با غرب برآمد؛ یعنی نکات مثبتی را که در مبانی فکری غرب وجود دارد اقتباس کرد و در مقابل مبانی فکری غرب ایستاد. برای مثال توسعه و پیشرفت در غرب حاصل شده و تکنولوژی پیشرفت کرده است. باید علم تکنولوژی را از غرب گرفت، ولی از ورود فرهنگ غربی جلوگیری کرد. روشن‌فکران غرب‌زده چنین تفکری نداشتند و اقتباس همه محورها و همه داشته‌های غرب را در نظر داشتند و این با مبانی فکری اسلام و مسلمان همخوانی ندارد؛ چون مبانی فکری غرب و اسلام قابلیت اجتماع در یک ظرف را ندارند. پس راهکار این است که باید تعامل بین ایران و غرب صورت بگیرد و این تعامل باید دوطرفه باشد؛ یعنی به این نحو نباشد که غرب هر چه دارد بر جوامع جهان‌سوم صادر کند و جهان‌سوم فقط مقلد صرف باشند. به هیچ وجه این روند درست نیست؛ چون جوامع اسلامی را از مبانی اصیل اسلامی دور خواهد کرد؛ چون یکی از اصلی‌ترین و پایه‌ای‌ترین خواسته‌های غرب این است که اسلام و مبانی اسلامی را در جهان اسلام استحاله کند و یکی از روزنه‌ها برای دستیابی به این هدف، تقلید صرف جوامع اسلامی از جهان غرب است؛ به دلیل اینکه وقتی رابطه بین غرب و جهان اسلام در حد تقلید صرف شد، غرب در مبانی فکری و عملی جوامع مسلمان نیز نفوذ خواهد کرد و سعی بر این خواهد داشت که اسلامی را که مد نظر مبانی فکری خودش است برای مسلمانان تعریف کند و حاصل چنین اسلامی، اسلام امریکایی خواهد بود؛ اسلامی که در آن حرفی از جهاد و مبارزه با ظلم و مبارزه با استکبار دیگر معنایی ندارد و اسلام خلاصه می‌شود در نماز و روزه؛ همان اسلامی که در برخی کشورهای منطقه شاهد آن هستیم. پس جوامع اسلامی باید در قبال جهان غرب حالت تبادلی داشته باشند تا آنچه با مبانی اسلامی و ارزش‌های قرآنی همخوانی دارد پذیرفته شود و آنچه برخلاف مبانی ارزشی اسلام است نفی گردد. راه پیشرفت جوامع اسلامی در این است که مقلد صرف از غرب نباشند، بلکه خودشان همت و تلاش کنند برای رسیدن به قله‌های توسعه و پیشرفت. آیت‌الله خامنه‌ای درباره ملت‌هایی که مکتب خودشان را برمی‌گزینند و مسیر تمدن‌سازی را بر اساس مبانی فکری خود تعریف می‌کنند می‌فرماید: «برخلاف این کشورهای مقلد،



ملت‌هایی که در مقابل تمدن غرب، مکتب توحید را انتخاب می‌کنند، هم به پیشرفت حقیقی و همه‌جانبه دست می‌یابند و هم تمدنی عمیق و ریشه‌دار می‌سازند که فکر و فرهنگ آنها را در جهان گسترش می‌دهد» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳).

تاریخ گواهی‌دهنده آن است که جوامع غربی به‌هیچ‌وجه به دنبال پیشرفت و توسعه جوامع اسلامی نبوده‌اند و اندیشه آنها و آرمان آنها از آمدن به منطقه خاورمیانه و جهان اسلام، صرفاً استثمار بوده است و این هدف روزنه‌اش با ضربه به اسلام و مبانی اسلامی حاصل می‌شد. برای مثال اسلام مسلمانان را دعوت می‌کند که به ریسمان الهی چنگ بزنند و در مقابل نظام استکباری باهم وحدت داشته باشند، ولی نظام استکباری همیشه سعی بر این داشته است که میان مسلمانان اختلاف ایجاد کند تا به خواسته‌های خود دست یابد. شعار انگلستان «تفرقه بینداز و حکومت کن است»؛ یعنی دقیقاً در مقابل مبانی فکری اسلام و مسلمانان قرار دارد که کارساز هم بوده است. در تقلید از چنین مکتبی که کارش و ذهن و فکرش فقط استثمار ضعیف است، باید تأمل کرد و نباید در مبانی فکری به تقلید از آن پرداخت. کشورهای در جهان اسلام موفق به تمدن‌سازی یا توسعه و پیشرفت شده‌اند که به تقلید صرف از غرب و مبانی غربی نپرداخته‌اند و در مسیر تمدن‌سازی به داشته‌ها و مبانی فکری و ارزشی خودبسته شده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای درباره نهادینه کردن جامعه بر اساس ارزش‌های الهی، بدون وابستگی و تقلید از مبانی فکری غرب می‌فرماید: «خواست عمومی ملت‌هایتان بازگشت به اسلام است، که البته به مفهوم «بازگشت به گذشته» نیست. اگر انقلاب‌ها باذن‌الله واقعی بمانند و ادامه یابند و دچار توطئه یا استحاله نگردند، مسئله اصلی شما چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلاب‌ها خواهد بود. این همان مسئله مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است. در این جهاد بزرگ، کار اصلی شما این خواهد بود که چگونه یک تاریخ عقب‌ماندگی و استبداد و بی‌دینی و فقر و وابستگی حاکم بر کشورهایتان را در کوتاه‌ترین زمان‌ها ان‌شاءالله جبران کنید و چگونه با رویکرد اسلامی و به شیوه‌ای مردم‌سالارانه و رعایت عقلانیت و علم، جامعه‌سازی کنید...؛ تقید خویش به شریعت متمدنی اسلام را حفظ کنید، بی‌آنکه گرفتار جمود و تحجر شوید؛ چگونه مستقل شوید، بی‌آنکه منزوی شوید؛ چگونه پیشرفت کنید، بی‌آنکه وابسته شوید؛ چگونه مدیریت علمی کنید،



بی‌آنکه سکولاریزه و محافظه‌کار شوید» (متن کامل خطبه‌های نماز جمعه تهران و ترجمه خطبه عربی ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

مسیر و چاره اصلی برای رسیدن به تمدن دینی و پیشرفت و توسعه و دوری از ذلت، مسیر اسلام و ارزش‌های الهی است و هر مسیری غیراز آن، عاقبتی جز ذلت و تباهی در پی نخواهد داشت.

در تمدن اسلامی یکی از مبانی جهت نیل به آن، خودباوری و اعتقاد به مبانی و اصول و ارزش‌هاست. لذا در بیانیه گام دوم، مقام معظم رهبری یکی از اصول در انقلاب اسلامی را اعتقاد به خود و باور به عبارت ما می‌توانیم می‌دانند: «به‌رغم همه این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفت‌های چهل‌ساله ملت ایران آن‌گاه به‌درستی دیده می‌شود که این مدت، با مدت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

ب) پرهیز از اندیشه‌های التقاطی و توسل بر اندیشه‌های اسلامی

از راهکارهای فرهنگی دیگری که فرایند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را فراهم می‌کند، پرهیز از جریان‌های التقاطی است. منظور از اندیشه‌های التقاطی یا ترکیبی، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌هایی است که از نظر ایدئولوژی، ریشه در دو یا چند مکتب دارند. این اندیشه‌ها در ایران از نظر ایدئولوژی، ترکیبی از اسلام و مکاتب وارداتی غربی یا شرقی هستند. وجه اشتراک تشکل‌های التقاطی، شناخت سطحی از اسلام و عدم شناخت نظام جامع اسلامی است و به خاطر ضعف در مبانی اعتقادی به دام ایدئولوژی غربی یا شرقی افتاده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۸۲). از اساسی‌ترین کارکردهای فرهنگی این است که جامعه به‌وسیله نخبگان فکری از این التقاط فارغ شود و صرفاً مبانی اسلامی در جامعه حاکم گردد. هر جریانی غیر از اسلام اگر بر جوامع اسلامی حاکم شود و مبانی خود را به دلیل مشروعیت، با اسلام مخلوط و ترکیب کند،



در آن جامعه باید دنبال اختلافات بود و در آن جامعه نباید به دنبال شکل‌گیری تمدن‌سازی نوین بود؛ چون تمدن‌سازی نوین اسلامی در جامعه‌ای شکل می‌گیرد که مبانی و ارزش‌های درونی آن فقط اسلام باشد. در صورت ورود اندیشه‌ها و مبانی فکری دیگر، تمدنی که شکل خواهد گرفت اسلامی نخواهد بود، بلکه ترکیبی از اسلام با یکی از مبانی مسلط دنیا خواهد بود و این نوع تمدن چون بر اساس مبانی ناب اسلامی شکل نگرفته، با تمدن اسلامی که هدف مقام معظم رهبری است، کاملاً متفاوت خواهد بود. ایشان اعتقاد دارند: «نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شماسست. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی یا ناسیونالیسم افراطی یا گرایش‌های چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند. اردوگاه شرق چپ فروریخت و بلوک غرب فقط با خشونت و جنگ و خدعه بر سر پا مانده و عاقبت خیری برای آن متصور نیست. گذشت زمان به زیان آنها و به سود جریان اسلام است. هدف نهایی را باید امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق قرار داد» (بیانات امام خامنه‌ای در نخستین اجلاس بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۶/۲۶).

با تأمل در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای برای شکل‌گیری تمدن اسلامی، باید بر اساس محورها و ارزش‌های اسلامی عمل کرد و از مبانی فکری شرق و غرب و مبانی التقاطی پرهیز کرد. اگر به این نحو عمل شود، یعنی جامعه بر اساس ارزش‌های اسلامی پیش برود و ارزش‌های غربی و شرقی را بر خود مسلط نکند، اینجاست که زمینه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی فراهم می‌شود.

آیت‌الله خامنه‌ای شعارهای انقلاب اسلامی منبعث از مبانی و ارزش‌های اسلامی را فارغ از تاریخ‌مصرف دانسته‌اند و از نگاه ایشان ارزش‌های انقلاب اسلامی دائمی است: «شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثناست؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد؛ زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

آنچه از بیانات رهبری مشهود است اینکه باتوجه به بیانیه گام دوم، یکی از روندها جهت ظهور و تجلی تمدن نوین اسلامی، فارغ شدن از مبانی بیگانه و ترسیم چهره اصلی اسلام ناب محمدی در جامعه است.

پ) بسیجگری ارزش مدارانه

به گواه مستندات تاریخی نقش توده‌های مردم از اصناف، گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی در پایه‌ریزی، تداوم و شکوفایی تمدن‌های شناخته‌شده بشری انکارناپذیر است. درحقیقت، میزان حضور و بسیج مردم در عرصه‌های گوناگون کار و تلاش، از عناصر اصلی شکل‌گیری تمدن به‌شمار می‌رود. بنابراین یکی از ویژگی‌های بارز فرهنگ‌های مولد و تمدن‌ساز، توان بسیج توده‌های مردمی در جهت آرمان مشترک و به‌کارگیری آنها در ساختن نظم نوین اجتماعی است. فرهنگ‌های پیشرو به همان میزان که در بسیج مردم و کشاندن و هدایت آنها به صحنه تولید موفق عمل می‌کنند، در تمدن‌سازی نیز موفق خواهند بود و لذا ظهور تمدن نوین، در ارتباط مستقیم با قدرت بسیجگری فرهنگ زیربنایی جامعه قرار دارد (شجاعی، ۱۳۹۴: ۳۷۶). آیت‌الله خامنه‌ای می‌فرماید: «بسیجی یک فرهنگ است و اگر بخواهیم این فرهنگ را در یک جمله تعریف کنیم، باید بگوییم پیشرو بودن در همه عرصه‌های اساسی زندگی» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۳/۵).

برای شکل‌گیری و پایداری تمدن اسلامی شکل‌گرفته، وجود رکنی چون بسیج لازم و الزامی است. بسیجی که در آن تقوا و ایمان باشد و اعمال صورت‌گرفته بر اساس ایمان به خدا و تقوای الهی باشد، برای جامعه در انتظار تمدن ضروری است. قرار است تمدنی در جامعه شکل گیرد که مبانی‌اش اسلامی باشد. چه در تئوری و چه در عمل آنچه قرار است بر جامعه اعمال حاکمیت کند، ارزش‌ها و اصول اسلامی است. بسیج یکی از محورهای گسترش‌دهنده مبانی ارزشی در جامعه است. به همین دلیل در جامعه‌ای که رویکردش ارزشی است، وجود ارزشی چون بسیج الزامی است.

ت) جامع محوری در قالب زیربنای فرهنگ

تمدن‌های مختلف دیدگاه‌های متفاوتی به حیات مادی و معنوی انسان دارند: بعضی تمدن‌ها همچون تمدن مدرن غرب، تک‌بعدی‌اند و بر زندگی مادی تأکید و تمرکز می‌کنند؛ برخی



دیگر از تمدن‌ها نیز تک‌ساحتی‌اند و بر حیات و بعد معنوی و روحانی انسان توجه و تأکید می‌کنند. تمدن اسلامی برخلاف این دو نوع تمدن، به هر دو بعد مادی و معنوی بشر و حیات انسانی می‌پردازد. از این رو، تمدن اسلامی ناشی از انقلاب اسلامی چندبعدی و چندوجهی است که در پی تعقیب و تحقق همه ابعاد وجودی انسان معاصر و نیازهای مادی و معنوی اوست (اصغری، ۱۳۹۰: ۴۷۴). آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: «آن کشور و جامعه‌ای که مورد نظر اسلام است، باید هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی پیشرو باشد. در چنین جامعه‌ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدر حرکت پیش‌رونده مادی پیشرفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه‌ای بایستی رایج شود. اینجاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان می‌دهد: ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت باهم.» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم شاهرود ۱۳۸۵/۸/۲۰).

تمدن اسلامی تمدنی جامع‌نگر است؛ یعنی به دنبال این است که مسائل مادی و معنوی را باهم و به صورت یک‌پارچه در جامعه به کار گیرد. به عبارتی حرکت تمدن اسلامی تک‌بعدی نیست، بلکه نگاهی مادی‌محور و معنویت‌محور است. البته مادیت در تمدن اسلامی در قالب معنویت و ارزش‌های اسلامی قرار می‌گیرد. به عبارتی، اسلام به تمدن‌سازی نگاه تک‌بعدی ندارد و نگاهش دو‌بعدی است؛ ولی منظور از دو‌بعدی این نیست که دو محور جدا و منفک از هم دارد، بلکه دو بعد معنوی و مادی است که معنویت زیربناست و مادیت در رو بنای آن قرار دارد.

۲. علم و شاخص‌های آن

پیامبر(ص) مردم را به کسب دانش و طلب آگاهی فرامی‌خواندند و این کار را محترم می‌شمردند. قرآن مکرر به برتری اهل علم و درجات آنها اشاره کرده است (اشکوری و همکار، ۱۳۹۴: ۱۰). تحقق تمدن چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی بدون باور به دانش و معرفت و عمل بدان، ناممکن است. این است که علم‌گروی و دانش‌محوری جایگاه مهمی را در اسلام به خود اختصاص داده است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۵۷). در اندیشه رهبر یکی از محورهای مؤلفه‌های اساسی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی توسل به علم



است، آن‌هم علمی که استنباط‌شده از منابع وحی باشد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

از منظر ایشان در بیانیه گام دوم، ارزش علم منوط به معنویت است. علمی ارزشمند و سعادت‌آور است که در مسیر معنویت باشد: «ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هرگونه ارزشی است؛ زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است؛ تمدنی که با روش‌های پیچیده علمی توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد، اما به لحاظ معنویت دچار عظیم‌ترین خسارت‌ها گردید» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مردم شاهرود ۱۳۸۵/۸/۲۰). برای مؤلفه‌های علم در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی شاخص‌هایی قابلیت بررسی دارد که شامل این موارد است:

الف) علم نافع

در دین اسلام بر کسب معرفت و آگاهی یا دانش‌اندوزی و ژرف‌نگری در زندگی تأکید شده است. با نگاهی بر منابع تفکر اسلامی، یعنی قرآن کریم و احادیث پیامبر و معصومان (ع)، می‌توان دریافت که خداوند و اولیای او، پیوسته نیز همگان را بر خردمندی و به‌کارگیری عقل دعوت می‌کنند؛ تا آنجا که خداوند توحید یعنی بنیان ایمان را حال تعقل و علم‌ورزی می‌داند (ولایتی، ۱۳۸۸: ۵۳). از عناصر مهمی که بستر مناسبی برای پیشروی جامعه ایجاد می‌کند، علم‌آموزی و کسب دانش است. اسلام که دینی بالنده است، با فراخوان جوامع بشری به توسعه نظام معرفتی، از همگان می‌خواهد با کسب علم و دانش بر جهل فائق آیند. اسلام ضمن تأکید وافر بر ضرورت علم‌آموزی و عمل به آن، عقلانیت مبتنی بر علم را ستایش می‌کند و فعالانه آنها را در سرنوشت تمدنی بشر دخیل می‌داند (کمالی اردکانی، ۱۳۸۸: ۲۰). مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی علم و دانش و نقش آن در پیشرفت جوامع را اساسی، و دلیل تسلط نظام غربی بر جوامع دیگر و عقب‌ماندگی جوامع را علم دانسته‌اند: «دانش آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌یست‌ساله فراهم کند و با وجود تهی‌دستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با



تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام انقلاب اسلامی پیشرفت مقوله تمدن‌ساز علم را باعث حیرت جهانیان دانسته، ولی به تلاش و مجاهدت بیشتر در وادی تحولات علمی تأکید کرده‌اند: «من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده با همه اهمیتمش، فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قله‌های دانش جهان بسیار عقیمیم. باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقیمیم. ما از صفر شروع کرده‌ایم» (همان).

رهبر درباره مقوله دین و تمدن می‌فرمایند: «چراغ راه تحقق تمدن اسلامی مجاهده علمی است. روش تولید علم از نظر ایشان، اجتهاد به معنای مصطلح، یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت است که تولید علم در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی خواهد بود» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اعضای اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان و مسئولان امور تربیتی سراسر کشور، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

مهم‌ترین رکن پیشرفت جامعه علم و دانش است، لکن علم و دانشی که در درون آن انسانیت و ایمان نهفته باشد. اگر علم تابع ایمان باشد، محصول چنین علمی خدمت به جوامع انسانی خواهد بود. ولی وقتی علمی صرف باشد و در ذات آن ایمان نباشد، صرف پیشرفت حاصل می‌شود که در درون آن انواع بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌ها نهفته است. پس دانش و علم پیش‌برنده و رشددهنده جامعه است، ولی برای اینکه در مسیر درست و تعالی به کار گرفته شود، نیاز به قالب و ظرف سازمان‌دهنده دارد. آن قالب ایمان است. در بیانیه گام دوم نیز چنین تفکری سایه انداخته است.

ب) پیشرفت همه‌جانبه اسلامی

تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه‌جانبه است که می‌خواهد به هر دو بعد مادی و معنوی انسان توجه شود و دنیا و آخرت باهم در نظر گرفته شود (اشکواری و همکار، ۱۳۹۴: ۷).



از آنجاکه تمدن نوین اسلام به معنای پیشرفت همه‌جانبه است، باید در عرصه‌های مختلف پیشرفت صورت بگیرد تا هرچه زودتر به مقصد برسیم (همان: ۱۶). رهبر نشانه زنده بودن ملت را پیشرفت در همه جنبه‌ها دانستند: «این ملت یک ملت زنده است. نشانه زنده بودن هم پیشرفت کردن در میدان‌های مختلف است» (بیانات امام خامنه‌ای ۱۳۸۵/۹/۲۲). تأکید ایشان بر عنصر پیشرفت همه‌جانبه به‌عنوان ماهیت واقعی تمدن نوین اسلامی، در واقع به معنای تأکید بر عنصر حرکت و تعالی در همه عرصه‌ها و همه جنبه‌های زندگی مادی و معنوی است (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

بنابراین، جامعه‌ای پیشرفته است که تمام ابعاد موجود در آن از فرهنگ و اقتصاد و سیاست و اجتماع به صورت یک‌سان رو به‌سوی تعالی باشند، نه اینکه سیاست پیشرفت کند و اقتصاد ضعیف باشد یا اقتصاد پیشرفت کند و فرهنگ جامعه در جایگاه انحطاط باشد.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، اراده عمومی و نقش جوانان در پیشرفت همه‌جانبه را اساسی دانسته‌اند: «انقلاب اسلامی عنصر اراده ملی را که جان‌مایه پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آن‌گاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکا به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

با عنایت به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ادامه این روند باعث ظهور و تجلی تمدن نوین اسلامی خواهد بود. بنا بر دیدگاه مقام معظم رهبری، نقش اراده عمومی به‌ویژه در شکل‌گیری پایه‌های تمدن نوین اسلامی کلیدی است.

پ) رهبری عالمانه مبتنی بر ارزش‌ها

بسیج توده‌های مختلف مردم نقش بارزی در فرایند تمدن‌سازی بر عهده دارد. اما این حضور تنها در صورتی می‌تواند در بهروزی و بهزیستی اجتماعی ملت مؤثر واقع شود که در مسیر مطلوب هدایت و مدیریت گردد. با این وصف، یکی دیگر از عناصر اصلی تمدن‌ساز، رهبری عالمانه در جنبش اجتماعی ملت است. اگر ملت در پیشاپیش خود شاهد رهبری عالمانه نخبگان خود باشد، می‌تواند ظرفیت خویش را در ساختن جامعه‌ای آباد بسیج کند. در غیر



این صورت و با فقدان عنصر رهبری عالمانه، کارآمدی بسیج مردمی به‌طور قطع کم‌رنگ خواهد شد (شجاعی، ۱۳۹۴: ۳۸۰). آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) بارها به نقش رهبری امام خمینی (ره) در فرایند شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی و جلوگیری از آسیب‌دیدگی این انقلاب اشاره کرده‌اند و امام را محور این انقلاب دانسته‌اند و در بیاناتی فرمودند که انقلاب اسلامی بدون نام امام خمینی (ره)، در جایی شناخته‌شده نیست. به عبارتی رهبری عالمانه ایشان بود که انقلاب را به پیروزی رساند و جمهوری اسلامی را در برابر ناملاپمات داخلی و خارجی حفظ کرد.

۳. شاخص‌های دینی در تمدن نوین اسلامی

از بنیادهای تمدن نوین اسلامی، اعتقاد به اسلام به‌عنوان پایه‌گذار تمدن اسلامی و تعیین‌کننده ریشه‌ها و اصول آن است. دین‌بنیاد بودن تمدن نوین اسلامی به این معناست که توحیدمداری و تأکید بر اصول اعتقادی مشترک و باور به آن به‌عنوان منبع اولیه دانش، موتور محرک هم‌گرایی بین جوامع اسلامی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی به‌شمار می‌آید. تمدن نوین اسلامی با برخورداری از نگرشی جامع به چالش‌های جهانی، در تلاش برای ایجاد تمدنی جهانی بر اساس درکی متوازن از نقش دین در روابط بین‌الملل است که از هرگونه افراط و تفریط به‌دور باشد (دهشیری، ۱۳۹۴: ۹۵). امروزه تمدن نوین اسلامی در صورتی فعلیت می‌یابد که دانشمندان افزون بر علم و دانایی، به دین و ایمان مذهبی به‌عنوان دو بال تمدن اسلامی متکی باشند و مسلمانان اندیشمند تلفیق میان علم و وحی را کشف کنند (دوانی و همکار، ۱۳۹۴: ۲۱۹). به لحاظ تاریخی، تمدن اسلامی از تمدن‌های بزرگ بشری حاصل مبانی دین اسلام و باور به آنها بوده است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۶). شهید مطهری می‌فرماید: «ملل بسیاری به اسلام گرویدند و در خدمت این دین درآمدند و در راه نشر و بسط تعالیم آن کوشیدند و با تشریک مساعی با یکدیگر، تمدنی عظیم و باشکوه به نام تمدن اسلامی به وجود آوردند» (مطهری، ۱۳۹۵، ج ۱۴: ۱۹).

رهبر انقلاب در این زمینه فرمودند: «با پیدایش تمدن اسلامی، همه‌چیز اروپا در مقابل آن رنگ باخت؛ زیرا جوهره این تمدن بزرگ از مکتب اسلام بود. تمدن اسلامی با به کار گرفتن علم، کشف حقایق درجه‌یک عالم وجود و استخدام اندیشه‌ها، ذهن‌ها و فعالیت‌های عظیم

علمی توانست دانشگاه‌های بزرگ را در مقیاس جهانی ایجاد کند و ده‌ها کشور ثروتمند و مقتدر و یک قدرت سیاسی بی‌نظیر را در طول تاریخ پدید آورد.» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار فرماندهان رده‌های مختلف «سپاه پاسداران» ۱۳۷۳/۶/۲۹).

بنابراین جایگاه ارزش‌های متعالی و معنوی مبتنی بر دین و اخلاق متعالی در ایجاد و شکل‌گیری، حفظ و پایداری و ثبات تمدن‌ها انکارناشدنی است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۳۷).
مقام معظم رهبری درباره آثار گذشته دین قبل از انقلاب اسلامی و تأثیرات آن بر ظهور گام اول تمدن نوین اسلامی می‌فرماید: «رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به‌ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آن‌گاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

تمدن نوین اسلامی پنج پایه دارد که مهم‌ترین مدخل آن ظهور انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی بر اساس ارزش‌ها و اصول دین مبین اسلام شکل گرفته است. درباره شاخص‌های مؤلفه دین برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، به این موارد می‌توان اشاره کرد:

الف) توسل و عمل به قرآن

در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم به‌عنوان تعیین‌کننده همه نیازهای آدمی در رأس منابع دینی قرار دارد. سرگذشت تمدن‌های پیشین و مطالعه تاریخ آنان به‌خوبی ضرورت عمل به تعالیم قرآن را بر ما آشکار خواهد کرد. بشر برای رسیدن به کمال، نیازمند برنامه‌ای جامع و کامل است که بتواند با اعتماد و تکیه بر آن، در مسیر نیل به کمال حرکت کند. خداوند متعال می‌فرماید: «ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه‌چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است» (نحل: ۸۹).



آیت‌الله خامنه‌ای درباره انس با قرآن کریم به‌عنوان محور استحکام درونی جامعه مسلمانان می‌فرماید: «جامعه اسلامی جامعه‌ای است که به لحاظ درونی مستحکم است و این استحکام را از قرآن اخذ می‌کند. جامعه اسلامی با انس روزافزون با قرآن، استحکام درونی پیدا می‌کند و استحکام درونی آن چیزی است که جوامع را در راه‌های مطلوب خودشان و به‌سوی مطلوب‌های خودشان قادر می‌سازد و قدرت برخورد با چالش‌ها به جوامع می‌دهد. باید در درون مستحکم بود. این استحکام درونی به برکت انس با قرآن حاصل می‌شود. انس با قرآن ایمان را تقویت می‌کند، توکل به خدا را زیاد می‌کند، اعتماد به وعده الهی را زیاد می‌کند» (بیانات امام خامنه‌ای در محفل انس با قرآن ۱۳۹۳/۴/۸).

براین اساس، برای ساختن تمدن نوین اسلامی می‌باید سبک زندگی اسلامی را با بهره‌گیری از مفاهیم قرآنی و عمل به آن طرح‌ریزی کرد. توجه به مفاهیم قرآنی در عرصه‌های مختلف زندگی و به کار بردن آنها می‌تواند راه‌گشای بشر در برون‌رفت از بیراهه‌هایی باشد که تمدن مادی غرب پیش روی انسان‌ها قرار داده است. این کتاب آسمانی اصول اخلاقی فردی و اجتماعی انسان را نیز بیان می‌کند. از این حیث ضروری است انسان با قرآن مأنوس باشد (خاری آرانی و همکار، ۱۳۹۴: ۷۴). در همین راستا، «معارف بلند اسلامی و قرآنی را از خود قرآن و از نهج البلاغه و از بعضی از روایات اهل‌بیت، روایات اصول کافی در بخش‌هایی، اخذ کنید. با این منابع انس پیدا کنید» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از شعرای آئینی ۱۳۹۰/۳/۲۵).

دوری از معنویات باعث شده است که به‌رغم همه پیشرفت‌های علمی و صنعتی، عدم دستیابی به آرامش، جامعه غرب را در پی معنویات بکشاند. این نکته از روند روبه‌گسترش روی آوردن به اسلام در این جوامع به‌خوبی آشکار است (خاری آرانی و همکار، ۱۳۹۴: ۷۴).

ب) گرایش به تقوا

تقوا دارای دو بعد است: بعد فردی و بعد اجتماعی. بعد فردی تقوا یعنی انسان باید از حرام‌هایی بپرهیزد که در دین ممنوع‌اند و انسان باید از آلوده شدن به آنها خودداری کند. ولی تقوای اجتماعی که مهم‌ترین بعد تقوا نیز هست، چون به اجتماع مربوط و یک جمع را شامل می‌شود، اینجا دیگر بعد فردی تقوا مطرح نیست و اگر گناهی یا حرامی مرتکب شود، بعد اجتماعی دارد و یک جامعه درگیر آن می‌شود. به همین دلیل این بعد تقوا مهم‌تر است.

محور شکل‌گیری تمدن اسلامی روی تقوا قرار دارد. در تمدنی که قرار است بر مبانی اسلامی شکل بگیرد، باید بر ارزش‌های اسلامی پایبند بود و این پایبندی به ارزش‌های اسلامی با تقوا حاصل می‌شود. زمانی می‌توان انتظار داشت که اقتصاد جامعه بر اساس اصول و مبانی ارزشی اسلامی باشد که در مردم هر دو بعد تقوا، یعنی فردی و اجتماعی، فعال باشد. تمدن اسلامی تمدنی است که اقتصاد آن و سیاست آن و اجتماع آن اسلامی است و همه اینها ممکن نمی‌شود مگر با تقوا. وقتی در جامعه‌ای رباخواری و رشوه‌خواری باشد و فرد در این باب تقوا نداشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت که اقتصاد اسلامی که روبروی فرهنگ است شکل بگیرد. پس ریشه و سرچشمه برای این فرایند وجود تقواست. در جامعه‌ای که در سیاستش تقوا نباشد آسیب‌هایی شکل خواهد گرفت. آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران درباره تعریف تقوا فرمودند: «تقوا، یعنی به‌هوش بودن و دائم مراقب خود بودن. اگر از آدم غافل ده‌ها گناه سر می‌زند و اصلاً حس نمی‌کند که گناه کرده است، آدم متقی درست نقطه مقابل اوست: اندک گناهی هم که می‌کند، فوراً متذکر می‌شود که گناه کرده است و به فکر جبران می‌افتد. به مجرد اینکه شیطان از کنارش عبور می‌کند و باد شیطان به او می‌خورد، فوراً حس می‌کند که شیطان زده شده و دچار اشتباه و غفلت گردیده است.» (بیانات امام خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۵/۱۰/۲۸).

از دیدگاه ایشان، تقوا زمینه‌ساز آگاهی و تمایزبخش حق و باطل است. تقوا جامعه را سالم نگه می‌دارد. شرط شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی این است که جامعه سالم باشد. وقتی جامعه‌ای که مریض است و از لحاظ مبانی تقوا مشکل دارد، نمی‌توان تمدن‌سازی را در آن اجرا کرد. پیغمبر اکرم (ص) جامعه مدینه و مکه را پاک‌سازی و در مردم تقوا را خلق کردند و بعد به تمدن‌سازی روی آوردند؛ چون تمدن‌سازی که مبنایش اسلامی است از جمعی حاصل می‌شود که در آنها تقوا باشد. وقتی تقوایی در پیش نباشد، دیگر تمدن اسلامی شکل نخواهد گرفت؛ چون تقوا یعنی پرهیزکاری و عمل کردن به اوامر الهی و وقتی جامعه به اوامر الهی عمل نمی‌کند و از آنها تخطی می‌کند. اصلاً نمی‌توان انتظار شکل‌گیری تمدن‌سازی نوین اسلامی را در آنها متصور شد.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به اخلاق و معنویت و ظهور تقوا در جمهوری اسلامی ایران در سایه انقلاب اسلامی اشاره کرده‌اند: «عیار معنویت و اخلاق را



در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی (ره) در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب بیش از هر چیز رواج داد. آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به‌خصوص جوانان کشانده بود، ولی نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزبه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است؛ و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجن‌زارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

اولین پایه تمدن نوین اسلامی زمانی شکل گرفت که اخلاق و معنویت و تقوای الهی در رأس آن قرار گرفت.

پ) تربیت نیروهای مؤمن و انقلابی

از دیگر عناصر فوق‌العاده مؤثر در تدوین و تحقق تمدن اسلامی، وجود نیروهای کارآمدی است که در این مسیر بتوانند هریک با مسئولیت‌پذیری و به تناسب توانایی‌های خویش، عهده‌دار بخشی از ساختن بنای عظیم تمدن اسلامی شوند. این همان کاری بود که در صدر اسلام نیز به‌وسیله پیامبر (ص) انجام شد (ملایی، ۱۳۹۴: ۷۹). آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) در این باره می‌فرماید: «بیست‌وسه سال زمان کوتاهی است. سیزده سال از این مدت هم با مبارزات غریبانه گذشت. در مکه اول با پنج نفر و ده نفر و پنجاه نفر شروع شد و جمعیت معدودی در زیر فشارهای طاقت‌فرسای دشمنان متعصب، کور و جاهل توانستند مقاومت کنند. ستون‌های مستحکمی ساخته شد برای اینکه جامعه اسلامی و تمدن اسلامی بر روی این ستون‌ها قرار بگیرد، ... یک حرکتی را ایجاد کند که این حرکت یک تمدنی را آفرید و این تمدن بر اوج قله تمدن بشری در دوران مناسب خود قرار گرفت.» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با مسئولان نظام در روز عید مبعث ۱۳۹۰/۴/۹).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نقش جوانان در تحول‌آفرینی اشاره می‌کنند و بینش انقلابی را عامل اساسی در ظهور این طرز تفکر می‌دانند: «راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به‌سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به‌کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

مقام معظم رهبری جهت نیل جمهوری اسلامی به اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت خود، به بهره‌برداری از نیروهای تربیت‌شده مؤمن و انقلابی در جایگاه‌های مختلف نظام دینی اشاره کرده‌اند و عدم استفاده از این نیروی عظیم انسانی را آسیب برای جمهوری اسلامی می‌دانند: «نکته مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنای واقعی جهش ایجاد کنند. مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر چهل سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجادشده در دهه شصت است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه پانزده و چهل‌سالگی، نزدیک به چهارده میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند، اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد.» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).



از ارکان اساسی که زمینه‌های تربیت نیروی متعهد و انقلابی را فراهم می‌کند، وجود فضای انقلابی است. به عبارتی برای اینکه نیروی متعهد و انقلابی ماحصل و خروجی دانشگاه و آموزش و پرورش باشد، فضای حاکم بر آنها باید روند انقلابی داشته باشد و تربیت نیروها در دست کسانی باشد که دارای نگرش انقلابی هستند و به ارزش‌های انقلابی پایبندند. در صورتی که فضا جور دیگری باشد، یعنی در فضای آموزش و پرورش آنچه ملاک باشد، صرفاً معدل و گرفتن مدرک باشد و در دانشگاه نیز وضعیت به همین شکل باشد، یعنی دغدغه اصلی دانشجوی معدل و مدرکی باشد که فردا بتواند کاری به‌دست آورد و دغدغه دانشگاه و پدر و مادر هم همین باشد، یک محور مورد غفلت قرار می‌گیرد، و آن تربیت است. زندگی انسان به تربیت اوست و تا زمانی که این محور به‌صورت درست اعمال نشود، زندگی انسان در فرایند خودش دچار مشکل می‌شود؛ همان مشکلی که در حال حاضر نیز در جامعه ما وجود دارد. پس خانواده‌ها و مسئولان باید به فکر باشند و تا دیر نشده، برای این روند چاره‌ای بیندیشند تا تربیت در مسیری که خواست ارزش‌های اسلامی است صورت بگیرد.

ت) اهتمام نظری و عملی به امر به معروف و نهی از منکر

معروف در اصطلاح به کاری اطلاق می‌شود که حسن آن را عقل یا شرع شناخته باشد و منکر اصطلاحاً عبارت از فعلی است که شرع و عقل آن را ناپسند بشمارند (شاهرخی، ۱۳۸۱: ۱۷۷). حیات بشری در طول تاریخ خود، مراحل مختلفی را گذرانده است: برخی بر مسند قدرت نشسته و گاه با ادعای خدایی یا نمایندگی او، مردم را به خدمت گمارده و جامعه را به فساد و تباهی کشانده‌اند؛ اما به‌عکس، همیشه انسان‌های شاخص در بین مردم وجود داشته‌اند که از جانب خداوند متعال به پیامبری مبعوث شده‌اند تا حسب وظایفشان به نجات امت از ظلم ستمکاران و هدایت آنها در رسیدن به سعادت دنیا و آخرت بپردازند (همان: ۱۷۹).

امر به معروف و نهی از منکر، از آموزه‌های اصلی دین اسلام است. راه رستگاری هر نظام عقیدتی بر پایه انجام بایدها و ترک نبایدهاست. از این رو، حوزه این اصل بسیار گسترده و شامل امر به همه رفتارها و اخلاقیات پسندیده و نهی از رذایلی است که شارع مقدس اسلام آن را مردود می‌داند. آنجا که مسائل از حوزه شخصی بگذرد و بعد اجتماعی یابد، رعایت آنها ضروری است (مشیدی و همکار، ۱۳۹۱: ۶۹). حیات هر جامعه به رشد معنویات و



ارزش‌های والای انسانی آن بستگی دارد. در جامعه اسلامی علاوه بر اینها، به حساسیت مردم به اجرای احکام دینی و نظارت عمومی بر شیوه اداره جامعه توسط متولیان حکومت و مسئولان نیز بستگی دارد. به این مسئله مهم اجتماعی از بعد مکتب اسلام، امر به معروف و نهی از منکر گفته می‌شود که از واجبات دینی است و بر هر مسلمان تکلیف شده است. در بررسی و تحلیل عوامل و انگیزه‌های قیام کربلا به منظور دستیابی به مهم‌ترین علت و انگیزه، به بنیادی‌ترین انگیزه و شاخص‌ترین آن یعنی امر به معروف و نهی از منکر می‌رسیم. امام حسین (ع) در وصیت‌نامه خویش، بر این عامل تام و انگیزه والا تأکید می‌ورزند و هدف اصلی خود را از مخالفت با دستگاه خلافت مبتذل یزید، امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با ظلم و جور و فساد و خیانت و بدعت‌ها و انحراف‌هایی معرفی می‌کنند که از همه سو، جامعه اسلامی را به محاصره درآورده و مردم را از راه روشن و صائب دین به بیراهه‌های فسق و گمراهی رهنمون می‌کردند. امر به معروف و نهی از منکر علت العلل قیام مقدس کربلاست و این به دلیل جایگاه رفیع این عنصر در حرکت تاریخی امام حسین (ع) و نقش بنیادین آن در به ثمر نشستن آن جهاد مقدس است (قربانی، ۱۳۹۴: ۱۶). رهبر بر لزوم جاری شدن امر به معروف و نهی از منکر تأکید دارند: «همه مردم باید وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را برای خود قائل باشند و در محیط کسب، خانه، درس، دانشگاه و محیط کار و زندگی با زبان خوش و لحن مناسب عمل خلاف و گناه را به خاطر تذکر دهند و انجام این مهم در مرحله عمل و اقدام تنها با اجازه حکومت باید انجام شود» (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با اقشار مختلف مردم قم ۱۳۶۸/۱۰/۱۹). در جایی دیگر نیز بر لزوم اقامه و ترویج امر به معروف و نهی از منکر با استفاده از روش‌های صحیح و منطقی از جمله بهره گرفتن از کلام نافذ و مؤثر تأکید کردند (سخنرانی امام خامنه‌ای در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان ۱۳۷۰/۸/۱۵). ایشان مصداق کامل امر به معروف و نهی از منکر را ایجاد حکومت اسلامی می‌دانند: «مصداق کامل و تمام امر به معروف، ایجاد جامعه و حکومت اسلامی و مصداق کامل نهی از منکر، نهی از یک جامعه طاغوتی است، اما در صورت فقدان وسیع‌نگری، این حکم عظیم خداوند در مسائل جزئی خلاصه خواهد شد» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۲).



کلیت بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی روی مدار امر به معروف و نهی از منکر است. رهبر با بیانات خود مردم و مسئولان نظام را از برخی روندها نهی می‌کنند و به برخی جنبه‌ها تشویق می‌کنند. استحکام مبانی دینی با امر به معروف و نهی از منکر حاصل می‌شود. اگر امر به معروف باشد، جامعه در سیر خود دچار آسیب نمی‌شود و در صورت شکل‌گیری آسیب نیز، سریع از آسیب شکل‌گرفته به دلیل وجود پادزهر امر به معروف و نهی از منکر صیانت می‌شود تا وضعیت به ایده‌آل با مبانی اسلامی بازگردد. پس برای شکل‌گیری تمدن‌سازی نوین اسلامی که آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) اشاره فرمودند، از ارکان اساسی چه در تأسیس و چه در سیر وجود امر به معروف و نهی از منکر است.

نتیجه‌گیری

ظهور تمدن از کارکردهای اصلی جوامع در عرصه نظام بین‌الملل است؛ به این سبب که با ظهور تمدن جوامع ماندگار خواهند شد و فرایند زندگی طولانی به نسبت دیگر روندهای زندگی اجتماعی خواهند داشت. دین اسلام دین جامع و کاملی است، لکن برای ماندگاری در عرصه حکومتی نیازمند این راهبرد است که در روند شکل‌گیری تمدن دینی گام بردارد. اسلام به‌عنوان آخرین دین الهی، در صدد طلوع تمدن دینی است، به دلیل اینکه محور قدرت مسلمانان در پرتو تمدن‌سازی امکان‌پذیر است؛ تمدنی که مبنا و اصول و پایه‌های آن نشئت‌گرفته از ارزش‌های الهی باشد و بر اساس الگوهای قرآنی ظهور یابد. در عصر ما موضوعی توسط آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شد تحت عنوان تمدن نوین اسلامی. تمدنی که قرآن به آن توجه داشت و در دوران پیامبر (ص) شکل گرفت، با استفاده از فقه پویا احیا شد. شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نیازمند شکل‌گیری مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است که تمدن نوین اسلامی برای ظهور نیازمند آنهاست. برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی محتاج کنکاش و توصیف و تحلیل هستند. در این راهبرد پژوهشی نویسندگان تلاش کردند با عنایت به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، به‌ویژه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، بعد فرهنگی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را بررسی کنند. نگارندگان در صدد پاسخ به این سؤال بودند که با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگی شکل‌دهنده تمدن نوین از منظر آیت‌الله خامنه‌ای کدام‌اند و در



روند شکل دهی تمدن نوین اسلامی چه تأثیری دارند. در این زمینه به یافته‌های درخور توجهی همچون امر به معروف، تقوا، شکل‌گیری جامعه‌ای منطبق بر اسلام، مسئولیت‌پذیری و رهایی از اندیشه‌های التقاطی دست یافته‌اند. در این پژوهش تلاش نگارندگان این بود که برای تحلیل مؤلفه‌های فرهنگی تمدن نوین اسلامی، بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی استناد شود.

پیشنهادها

- در اولویت قرار دادن عقلانیت و خردگرایی در تمام امور؛
- اهتمام به دانش، علم و پژوهش در تمام امور؛
- عملی‌سازی مباحث درباره تمدن‌سازی توسط دولت و مسئولان اجرایی کشور؛
- وفاق و همدلی مسئولان و مردم برای پیاده‌سازی تمدن نوین اسلامی؛
- تمدن‌سازی ایجاد نمی‌شود مگر اینکه دولت و مردم با رویکرد جهادی، انقلابی و بسیج‌وارانه در این مسیر گام بگذارند و سعی در رفع کمبودها و نقایص ایجاد شده کنند؛
- نگاه نقادانه به مسائل درباره حوزه تمدن نوین اسلامی به جای نگاه تخریبی: هدف جناح‌های مختلف از مطرح کردن پیشنهادها باید دل‌سوزانه و به دور از هرگونه جانب‌داری و تخریب باشد و از ارائه انتقادهایی که رنگ‌وبوی اصلاح در آنها نهفته نیست و صرفاً جنبه تخریبی بر آنها حاکم است جلوگیری به عمل آید؛
- برگزاری اجلاس‌های مختلف و دعوت از متفکران، اندیشمندان و استادان برتر داخلی و خارجی؛
- اهتمام اساسی بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و اصول و ارزش‌های نهفته در آن و بازشناسی و واکاوی قوانین نهفته در آن با برگزاری نشست‌های تخصصی و همایش‌های کاربردی.



منابع

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه.

- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۱). فرهنگ و شبه‌فرهنگ، انتشارات یزدان.
- اشکواری، محمدجعفر و سپیده‌زهرا موسوی (۱۳۹۴). عوامل و زمینه‌های احیای تمدن اسلامی در گفتار رهبر معظم انقلاب اسلامی، تهران، همایش تمدن نوین اسلامی دانشگاه شاهد.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۰). محیط امنیتی تمدن اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- اکبری، مرتضی و فریدون رضایی (۱۳۹۴). «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ش ۵.
- باهنر، محمدجواد (۱۳۸۷). مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران، نشر شاهد.
- بهشتی، احمد و پیام صدریه (۱۳۸۹). «اخلاق سیاسی در نامه‌های نهج البلاغه»، فصلنامه نهج، ش ۳۰.
- بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۳). «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، نشریه کتاب نقد و نظر، ش ۷۴.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۴). تمدن نوین اسلامی، همایش تمدن نوین اسلامی دانشگاه شاهد.
- رجیبی دوانی، محمدحسین و علی خزائی (۱۳۹۴). تمدن نوین اسلامی؛ مؤلفه اثرگذار بر استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران، اولین همایش تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
- زنگویی، اسدالله و همکاران (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی، موانع و چالش‌ها در تحقق تمدن نوین اسلامی، همایش تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۹). جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران، تهران، نشر نی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹). فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران، مؤسسه نشر آثار علامه جعفری.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۴). «مبانی دینی تمدن از منظر اسلام»، همایش تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). انقلاب اسلامی ایران، قم، نشر معارف.
- حنفی، حسن (۱۳۷۹). «اندیشه و تمدن اسلامی و مباحثی پیرامون آن»، نامه علوم انسانی، ش ۲.



- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۰). مؤلفه‌های تمدن اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- خاری آرانی، مجید و زهرا علی اکبرزاده آرانی (۱۳۹۴). «مبانی و مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی»، همایش تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
- شاهرخی، سیدعلاءالدین (۱۳۸۱). «امام‌المتقین و تاریخ تشیع»، مجله تحقیقات اسلامی، ش ۱.
- شجاعی، هادی (۱۳۹۴). «ظرفیت‌های فرهنگ سیاسی تشیع در برسازگی تمدن نوین اسلامی»، همایش تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
- شریعتی تبار، مهدی (۱۳۹۴). «نگاهی به تمدن اسلامی از منظر قرآن کریم»، نشریه مشکوه، ش ۱۲۸.
- شریعتی، علی (۱۳۸۹). تاریخ تمدن، تهران، انتشارات قلم.
- فوزی، یحیی و محمودرضا صنم‌زاده (۱۳۹۱). «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۹.
- فرمپینی فراهانی، محسن (۱۳۹۴). الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی، همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
- قربانی، سعید (۱۳۹۴). «آموزه‌های نهضت امام حسین (ع) و انقلاب اسلامی ایران»، همایش شناخت خلاق و آداب حسینی، تایباد.
- کمالی، علی اکبر (۱۳۸۸). «انقلاب اسلامی و بازیابی تمدن اسلامی»، رهیافت انقلاب اسلامی، ش ۹.
- لیتتون، رالف (۱۳۳۷). سیر تمدن، ترجمه پرویز مرزبان، نشر دانش.
- مشیدی، جلیل و یوسف اصغری (۱۳۹۱). «امربه معروف و نهی از منکر از منظر عرفانی»، نشریه ادبیات عرفانی، ش ۲۹.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). مجموعه آثار استاد شهید مطهری، نشر صدرا.
- معین، محمد (۱۳۹۴). فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر.
- ملایی، حسن (۱۳۹۴). «جایگاه و کارکردهای آموزه مهدویت و انتظار در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی»، پژوهش‌های مهدوی، ش ۱۲.
- وطن‌دوست، رضا (۱۳۸۶). «نگاهی به امنیت در آموزه‌های اسلامی»، فصلنامه الهیات و حقوق، ش ۲۵.
- _____ (۱۳۹۳). «مسئولیت‌پذیری در نظام سیاسی اسلام»، نشریه مشکوه، ش ۱۲۵.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۸). پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، وزارت امور خارجه.



ب) منابع انگلیسی

- Mclean, Iain (2005), The concise oxford Dictionary of Politics, Oxford University.
- Tylor, Edward (1958), Primitive Culture, New York, Harper & Row.

ج) سایت

- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، دسترسی در:
<https://www.leader.ir/fa/content/22734>
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی قابل دسترسی در:
<https://www.leader.ir/fa/speech/2664>.



